

دکتر فاطمه مجدفر

علل انحراف جوانان



مسأله بزهکاری و انحراف اطفال و نوجوانان از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و وسعت دامنه نیازمندی‌های محرومیت‌های حاصل از عدم امکان تأمین خواست‌ها و احتیاجات زندگی موجب توسعه شدید و دامنه‌دار فساد، عصبیان، تهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی و دیگر انحراف‌ها در اطفال و نوجوانان گردیده است. مسأله و مشکل جوانان از جمله دزدی و انحراف جنسی امروز برای کشور ما هم مطرح است و آثار این بیماری مهلک در سیمای جامعه آشکار شده. اختلال قابل توجهی که در ناسازگاری جوانان با اجتماع رخ داده، آینده مناسبی را نشان نمی‌دهد.

علما و دانشمندان روان‌شناسی، روان‌پزشکی، علوم اجتماعی، تعلیم و تربیت و جرم‌شناسی برای شناسایی علل و یافتن راه حلی برای جلوگیری از انحرافات جوانان به تحقیق پرداخته‌اند. دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که انسان از لحظه تولد در میان شبکه روابط متقابل جامعه به سر می‌برد و در ضمن رفتارهای متقابلی که بین او و دیگران روی می‌دهد، میراث جامعه را به خود جذب می‌کند و هیأتی اجتماعی می‌یابد، در سراسر عمر خود در میان این شبکه روابط متقابل زیست می‌کند و به فراخور تغییرات آن‌ها تغییری می‌پذیرد و از جامعه همواره سرمشق می‌پذیرد. انسان نمی‌تواند بدون تأثیر محیط بیرونی به تأمین نیازمندی‌های مادی و معنوی خود بپردازد. تمامی شخصیت انسانی نمودی مادرزادی و ثابت نیست بلکه قسمتی با به عبارت دیگر، قسمت عمده‌ای از آن از محیط تأثیر می‌پذیرد و به وسیله نقش‌هایی که نسبت به خود ایفا می‌کند و نقش‌هایی که برعهده فرد می‌گذارد و به او شخصیت می‌دهد، اساساً آنچه سبب می‌شود که انسان به این شبکه گسترده روابط اجتماعی تن دهد، نیازهای او برای زیستن و کوشش گروهی و جمعی برای فراهم آوردن چیزهایی است که در طبیعت به شکل دل‌خواه انسان وجود ندارد از این رو، بررسی انگیزه‌ها و محرک‌هایی که سبب تلاش آدمی برای تأمین نیازمندی‌های اوست ضروری به نظر می‌رسد و رسیدگی به این موضوع مهم اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است.

مسأله دزدی و انحراف جنسی نیز از مقوله‌های کج‌روی یا انحراف اجتماعی است که احکام کلی کج‌روی اجتماعی شامل آن دو نیز می‌شود. همان‌طور که می‌دانیم، انسان وقتی به کج‌روی دچار می‌شود که پاسخ‌گوی یک یا بعضی از نیازهای جسمانی و روانی او باشد که به شکل طبیعی ارضای آن‌ها فراهم نشده است. این نیازها منبعث از دو محیط می‌باشند؛ محیط درونی و بیرونی. محیط درونی انسان همانا جسم و روان اوست و محیط بیرون شامل دو بخش است؛ طبیعت یا عوامل طبیعی و عوامل اجتماعی.

مقایسه عوامل اجتماعی در مقایسه با عوامل طبیعی توانا تر بوده و خود می‌تواند به چند دسته تقسیم شود که عبارت است از عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی و عوامل تربیتی که هر یک از این بخش‌ها نیز به نوبه خود انشعاباتی دارد. به عنوان مثال، عوامل اقتصادی مشمول بر عامل فقر (بیکاری، محرومیت، نداشتن تفریح سالم و...)، بحران اقتصادی (تورم، گرسنگی، پریشانی و...) و عامل مهاجرت (آوارگی، تعارض فرهنگ و...) می‌گردد. عامل سیاسی (فشار اجتماعی شدید، لزوم طغیان و...) جنگ (جدایی اعضای خانواده، سستی قیدها، مظالم مهاجمان) و غیره می‌شود. عوامل تربیتی را می‌توان شامل خانواده (محدودیت اقتصادی، خشونت، ناسازگاری خانوادگی، گسیختگی خانواده، طلاق، یتیمی و...) مدرسه (فشار بر افراد، نادیده گرفتن نیازهای دانش‌آموزان، تحمیل ارزش‌های غیراجتماعی و...) گروه همسالان (تقلید از هم‌بازی‌ها، همسایگان، هم‌محل‌ها و...) و رسانه‌های گروهی (تبلیغ، تلقین و ترویج روش‌ها نامناسب و...) و غیره دانست.

جامعه انقلابی ما در مسیر جرم‌زدایی گام‌های فراوانی برداشته است ولی با وجود این کوشش‌ها هنوز تا مرحله پالایش اجتماعی مجهز کردن اطفال، نوجوانان و جوانان به اصول ارزش‌ها و اعتقادات صحیح راهی دراز در پیش دارد. با وجود این، تلاش همه دست‌اندرکاران قضایی، تربیتی، اقتصادی و برنامه‌ریزی اجتماعی ستودنی است، لیکن به نظر می‌رسد بخشی از شناخت ویژگی‌ها و علل بزهکاری در جوانان و نوجوانان برعهده جامعه‌شناسان و

پژوهشگران آسیب‌شناسی اجتماعی باشد. اساس انتخاب چنین موضوعی برای پژوهش، سعی در ادای گوشه‌ای از وظایفی است که به عهده هر فرد علاقه‌مند به وطنش می‌باشد.

موضوع و عنوان پژوهشی

بررسی عوامل روانی، اجتماعی، دزدی و انحرافات جنسی نوجوانان و جوانان ایرانی سن ۱۸-۱۰ سال هدف پژوهش ما است.

هدف پژوهش حاضر، بازنگری مجدد نسبت به پدیده آسیب‌زای این دو و بزهکاری است که در این تحقیق از بین جرایم نوجوانان و جوانان و علل و عوارض دزدی و انحرافات جنسی مورد پژوهش قرار خواهد گرفت. علت مطالعه همزمان این دو پدیده بنا به فرض آن است که درصد مشترکی از بزهکاران مرتکب انحرافات جنسی و دزدی می‌شوند. ضمناً در طی تحقیق فوق ریشه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی بزهکاری بازشناخته می‌شود.

کاربرد پژوهش

نتیجه این پژوهش بی‌شک برای همه برنامه‌ریزان اجتماعی در سطوح مختلف مفید خواهد بود. به‌ویژه برای برنامه‌ریزان آموزشی، مسئولان قضایی کشور، دستگاه‌های انتظامی، کارگزاران کانون‌های اصلاح و تربیت کودکان، درمانگاه‌های روانی کودکان و نوجوانان و... و شناخت دقیق و همه‌جانبه مشکل و بازبینی علاوه بر علل عوامل آشکار ساز جرایم اجتماعی و روانی می‌تواند همه کسانی را که در اصلاح معایب اجتماعی و روانی و اقتصادی مسئولیت دارند یاری رساند.

توجیه و ضرورت پژوهش

در رابطه با کورفتاری‌های اجتماعی، روانی و بزهکاری نوجوانان و جوانان، متأسفانه امروزه برخوردها در چهارچوب دستگاه‌های انتظامی و قضایی محدود می‌شود. در این گذر، برخورد اصولی و ریشه‌ای به منظور خشکانیدن ریشه‌ها و علل عوامل جرم‌آفرین اجتماعی صورت نمی‌گیرد. در حقیقت، آنچه انجام می‌شود، مبارزه با معلول و ظواهر است نه به علت، حال آن‌که جرم‌زدایی اجتماعی، روانی کار ساده‌ای نیست، باید عوامل خانوادگی، روانی، عاطفی و اقتصادی را دقیقاً شناخت.

علل جسمانی روانی

انحرافات را که به عامل درونی نسبت می‌دهند به سه دسته تقسیم می‌نمایند.

الف. انحرافات ناشی از صفات غریزی.

ب. انحرافات ناشی از تربیت نادرست.

ج. انحرافات ناشی از نقص عضو.

از دیگر مشکلات جوانان که این گروه بیش‌تر با آن روبه‌رو بوده‌اند، مسأله ازدواج می‌باشد که به طور عمده مطرح است و حتی مواردی وجود داشته که دختران با دستگاه‌های قضایی تماس گرفته و اظهار داشته‌اند که ما در زمینه ازدواج دچار مشکل هستیم و خانواده‌ها آنان را تحت فشار قرار داده‌اند که هر طور که ممکن است. ازدواج کنند و همسری برای خود بیابند و از سوی دیگر، اظهار داشته‌اند که متأسفانه تاکنون هیچ بررسی علمی و تحقیقاتی در زمینه مسائل و مشکلات و طبقه‌بندی آنها انجام نشده است که انجام این امر خود می‌تواند روشن‌کننده حدود مسأله و طیف مسائل و مشکلات موجود باشد.

مشکلات جوانان

میانۀ سنی جمعیت کشور بر طبق سرشماری ۱۳۵۶، ۱۷ سال و میانگین سنی آن ۲۱/۶ سال می‌باشد و بر این اساس، کشور ما دارای جمعیت جوان است که این مسأله خود لزوم پرداختن و توجه بیش‌تر به جوانان و مسائل آنان را مشخص می‌سازد. در این ارتباط و برای درک نظر جوانان در زمینه کج‌روی‌های رایج در میان جوانان و مسائل و مشکلات آنان مبادرت به انجام یک بررسی از دانش‌جویان رشته‌های علوم اجتماعی و پرستاری گردید که میانگین سنی آنان ۲۲ سال بوده و نیمی از آنان مذکر و نیمی مؤنث بوده‌اند. نتایج این بررسی حاکی از آن است که پاسخ‌گویان کج‌روی‌هایی که بیش‌تر میان جوانان رایج است به شرح ذیل مطرح کرده‌اند:

۱. اعتیاد

۲. انحرافات جنسی

۳. روابط نامشروع با جنس مخالف

۴. بسی‌رنگ شدن ارزش‌های اجتماعی و گرایش به ارزش‌های بیگانه

الف. انحرافات ناشی از صفات غریزی، برخی از دانشمندان زمینه فعالیت انسان را به وسیله غریزه و استعداد‌های ذاتی تعیین می‌کنند که به صورت ثابت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و هر فرد مطابق خصایص بدنی و روانی که از پدران خود به ارث برده است رفتار می‌کند. انحراف جوانان را در رابطه با عوامل ارثی این‌گونه توجیه می‌کنند که عوامل مذکور از بدو تولد در نهاد طفل نهفته است و به تناسب محیط رشد می‌کند و این عوامل او را به بزهکاری و جنایت سوق می‌دهد.

دوپر (Dupres) معتقد است که بعضی افراد ذاتاً

منحرف هستند و انحرافات آن‌ها نتیجه‌ی غرایز منحرف و غیرعادی آنان می‌باشد. لمبروزو نیز از نظریه‌ی فطری بودن جنایت دفاع کرده است و معتقد است که بزهکاری و جنایتکاری باید ریشه‌ی سرشتی و وراثتی داشته باشد.

لانگه (Lange) در چهارچوب بررسی ژن‌ها نشان می‌دهد که از ۱۳ جفت دوقلوی همسان، بزهکاری در ۱۰ جفت مشاهده گردیده، در حالی که بین ۱۷ دوقلوی غیرهمسان این همگرایی فقط در دو مورد دیده شده است. اولوف کاین برگ (Olafrkinberg) بزهکاری را نتیجه‌ی برخی از خصایص زیستی فردی می‌داند که در آن آدمی خود را ناگزیر می‌بیند که در مقابل محرک‌های خارجی محیط عکس‌العملی مغایر با وضع عادی نشان دهد.

در نتیجه، بر اساس چنین شیوه‌ی تفکری باید پذیرفت که جامعه‌ی انسانی به گروه‌های متفاوتی بر اساس غریزه و استعداد‌های ذاتی تقسیم می‌شود و انواع انحرافات و جنایاتی که در طول تاریخ صورت گرفته و یا می‌گیرد، از نیازهای ذاتی افراد و گروه‌های مشابه جامعه بوده و می‌باشد و بنابراین، هیچ‌گونه راهی برای جلوگیری از انحراف و نجات جامعه‌ی بشری نباید وجود داشته باشد و اصلاحات اجتماعی کاری بچ و بیهوده تلقی می‌شود.

ب. انحرافات ناشی از بیماری‌ها؛ برخی از محققان به رابطه‌ی بین انحراف و کم‌هوشی معتقدند کورینگ (Kouring) دانشمند انگلیسی معتقد است که منحرفان از نظر عقلی و نیز جسمی از افراد عادی پست‌ترند و ملاک داور دربارۀ منحرفان ضعف قوای عقلی و نقص قوای جسمی است. در حالی که عده‌ای دیگر از دانشمندان از جمله چاسل، بر آن است که همستگی ضعیفی بین میزان رشد ذهنی و بزهکاری وجود دارد و نارسایی هوش، به عنوان علت بزهکاری نمی‌تواند تلقی شود. هیلی (Hilly) و برانر (Brouner) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که اگر رشد ذهنی بزهکاران بالاتر از افراد بهنجار نباشد، لاقلاً کم‌تر از آن نیست.

بحث در این است که وجود انحراف در افراد حاکی از آشفتگی‌های روانی طغیانی است که زمینه را برای تجاوز و انحراف فراهم می‌آورد. در این جا می‌توان نتیجه گرفت که نقش‌گنذذهنی و نارسایی عقلی سبب بروز انحراف و بزهکاری نیست بلکه جهل و نادانی و عدم توانایی در سازگاری با محیط و محیط ناسالم مسبب ظهور این حالات می‌گردد.

کم‌کاری غده‌ی پاراتیروئید که عهده‌دار توازن کلسیم در خون است نیز می‌توان عوارضی به دنبال داشته باشد که به نوبه‌ی خود در سوق دادن فرد به طرف انحراف مؤثر است، زیرا فرد در این صورت حساس می‌شود و نسبت به محرکات محیط بیش‌تر و شدیدتر پاسخ گفته و معمولاً به

فردی ستیزه‌جو و ناسازگار با محیط تبدیل می‌گردد. از بیماری‌های دیگر می‌توان بیماری‌هایی را که زیر اختلالات نقش شخصیت قرار می‌گیرند نام برد که اساساً سازش فرد با محیط را مشکل می‌سازد. از جمله می‌توان به روان‌نژندی یا پسیکونوروز اشاره نمود. مسلماً ما تمام افرادی که به پسیکونوروز مبتلا هستند، بزهکار نمی‌باشند ولی در بین بزهکاران ممکن است گروهی بر اساس این بیماری نتوانسته‌اند خود را با محیط سازگارند و عملاً در مجرای بزهکاری افتاده‌اند. همچنین روان‌پریشی یا پسیکوز (Psychosis) که به رفتارهای نابهنجار شدید اطلاق می‌شود، سبب می‌گردد فرد از محیط جامعه دور شده و هم‌نوایی اجتماعی برای او غیرممکن گردد. ناراحتی‌های مذکور بیش‌تر ناشی از علل اجتماعی بوده و از آن برمی‌خیزد، البته دربرگیرنده‌ی تمامی عوامل نمی‌باشد

لمبروزو از نظریه‌ی فطری بودن جنایت دفاع کرده است و معتقد است که بزهکاری و جنایتکاری باید ریشه‌ی سرشتی و وراثتی داشته باشد

و برای شناخت کامل این عوامل باید مسائل زیادی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

دسوید ایراگیس (Daivid Iragimee) می‌نویسد بزهکاری نوجوانان علل پیچیده‌ای دارد و از بیماری‌های روانی به مفهوم وسیع آن و بیماری‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد که برخی از آن‌ها شامل روان‌نژندی و پاره‌ای واجد علایم مقدماتی روان‌پریشی هستند. عده‌ای از ترس‌های بی‌اساس رنج می‌برند و عده‌ای نیز دچار نارسایی‌های هوشی هستند.»

ج. انحرافات ناشی از نقص عضو؛ نقص عضو را یکی دیگر از عوامل انحراف به شمار می‌آورند، به این معنی که اگر فردی از سلامت یکی از اعضای بدن خود محروم باشد، سلامت فکر و اندیشه‌ی خود را از دست می‌دهد و به ناسازگاری و انحراف از مقررات اجتماعی گرایش می‌یابد. هوتن (Hooton) استاد دانشگاه هاروارد ۱۷۶۸ نفر زندانی را به عنوان جنایتکار یا بزهکار و ۱۹۷۶ نفر را به عنوان

گروه گواه مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصله نشان داد نقص عضو در بزهکاری مؤثر است.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نقص عضوی به خودی خود عامل هیچ نوعی از بزهکاری و انحراف نیست بلکه به‌خاطر شیوه‌ناروایی است که در اکثر جوامع نسبت به این افراد مطرح است؛ مورد تمسخر و بی‌مهری اطرافیان قرار می‌گیرند و سرانجام به انحراف کشیده می‌شوند.

عوامل طبیعی و جغرافیایی

عوامل طبیعی و محیط جغرافیایی در زندگی انسان سبب شده است که برخی از محققان در اهمیت آن مبالغه ورزند و حتی برای توجیه انحرافات به این عوامل توسل جویند. اصولاً کسانی که در مناطق غیرمعتاد زندگی می‌کنند،

زیستی یعنی از طبیعت اولیه او نیستند بلکه این نیروها و عوامل محیط خارج هستند که آن‌ها را به وجود می‌آورند.

نرمال. ال. مان (N. L. Muan) می‌نویسد «غریز در حیوانات موجودند اما در آدمیان تغییر صورت داده و شاید بتوان گفت اصلاً موجود نیستند. آنان که وجود غریزه را در آدمی منکر شده‌اند، معتقدند که گذشته از بازتاب‌های ساده، اعمال دیگر آدمی معلول یادگیری هستند و آنان که مسئولیت تربیت کودک را برعهده دارند، به او می‌آموزند که نیازهای خود را به طریقی رفع کند که در اجتماع پسندیده است.

بسیکاری، ولگردی و گدایی ناشی از فقر خانواده‌هاست. از عوامل مؤثر در انحراف و گرایش به بزهکاری، دزدی و مانند آن می‌باشد و افراد را به اعمالی وامی‌دارد که هیچ‌گاه قادر به انجام آن‌ها نبوده‌اند. فقر موجب فقدان فرصت مسازی برای تحصیل، مطالعه کار و رشد استعدادها برای خانواده‌های بی‌بضاعت در سطح کشور و اختلاف در سطح درآمد و فرهنگ می‌شود و از موجبات پریشانی خانواده‌ها و فرزندان آنان است.

مسکن نیز یکی از نیازهای اولیه هر خانواده است که نه تنها در سلامت جسمی بلکه در سلامت روانی کودک تأثیر فراوان دارد که خود نیز به شدت تحت تأثیر عامل اقتصادی خانواده است. خانواده اکثر بزهکاران خردسال در زاغه‌ها یا اطاق‌های مخروبه و کثیف بوده و در شرایط بسیار نامساعد و غیربهداشتی به سر می‌برند. نتایج بررسی درباره آلودگی‌نشینان جنوب شهر تهران نشان داده است که ۷۸٪ خانواده‌های بزهکاران در یک اتاق زندگی می‌کردند و فقط ۲٪ منزلشان سه اطاقی بوده است.

نتایج این بررسی و بررسی‌های مشابه ما را به این حقیقت روبرو می‌سازد که محل سکونت چه از حیث ناحیه‌ای که مسکن در آن واقع است و چه از نظر نوع و چگونگی آن، در پرورش روحیه جرم و جنایت می‌تواند مؤثر باشد. عامل تغذیه نیز تابع وضعیت اقتصادی خانواده است. کمبود خوراک و مواد غذایی، بهداشتی ناشی از فقر است و سبب عدم سلامت جسم و روان می‌شود. به عقیده پروفیسور مورل (Morel) کمبود غذا و اختلال تغذیه و شرایط اجتماعی غیرانسانی در انحطاط دستگاه اعصاب و روان بشر نقش مؤثری دارد. به هر صورت باید خاطر نشان ساخت که بحران اقتصادی، تورم، بیکاری و توزیع ناقص و غیرعادلانه ثروت نقص تأسیسات اقتصادی که منتهی به بحران‌های تجارتي و بیکاری می‌گردد و عدم موفقیت سیستم اقتصادی در توزیع عادلانه ثروت به منزله مهم‌ترین مسئول فقر و عواقب آن در جوامع امروز به‌شمار می‌رود.

عوامل طبیعی و محیط جغرافیایی در زندگی

انسان سبب شده است که برخی از محققان

در اهمیت آن مبالغه ورزند و حتی برای

توجیه انحرافات به این عوامل توسل جویند

آمدگی بیش‌تری در گرایش به انحراف از خود نشان می‌دهند. حوادث عظیم طبیعی از قبیل زلزله، سیل، طوفان و غیره سبب ویرانی‌ها و بی‌سامانی‌های خانواده شده و اطفال زیادی را بی‌سرپرست و بی‌خانمان می‌کنند که در نتیجه، ممکن است اطفال به آسانی برای رفع نیازهای اولیه خود دست به سرقت زده و یا به سوی انحرافات دیگر کشیده شوند.

عوامل اجتماعی انحراف

غریزه‌گرایان و محیط‌گرایان؛ جامعه‌گرایان کلیه رفتار و سلوک آدمی را محصول عوامل تربیتی و رویدادهای اجتماعی می‌دانند و معتقدند که طبیعت انسان را نمی‌توان به‌طور مطلق و لا‌تغییر در نظر گرفت. بنابراین، زیباترین و زشت‌ترین اعمال آدمی ناشی از دستگاه

مهاجرت

گسترش صنایع و شهرهای بزرگ، فراوانی کار و افزایش امکان رفع نیازهای زندگی در شهرها موجب مهاجرت بسیاری از ده‌نشینان به شهرهای بزرگ شده که این شهرها از لحاظ فرهنگی، اخلاق، آداب و رسوم پای‌بندی به نظام‌های سنتی و مذهبی، جهان‌بینی و غیره، معتقدات و مقررات ده‌نشینی تفاوت دارد. این تفاوت اغلب سبب آوارگی، سرگردانی خانواده‌ها و اطفالشان در محیط‌های بزرگ و نامأنوس می‌شود و این عدم تطبیق فرهنگی خود موجبات انحراف را فراهم می‌سازد. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که انواع جرایم از قبیل سرقت، رابطه نامشروع و غیره در بین مهاجران بیش‌تر از دیگران می‌باشد و فقط بیکاری و عدم تعلیم و تربیت صحیح و کافی از عوامل مهم آن است.

عوامل سیاسی انحراف (حکومت)

حکومت‌ها از عوامل مهم اجرای عدالت و یا نابه‌سامانی ظلم و ستم می‌باشند. جوامع کنونی بر اثر امکانات تولید و توزیع به طبقات گوناگون تقسیم شده‌اند و وجه مشخص آن اقلیت سرمایه‌دار است که همه امکانات سیاسی و حکومتی کشور خود را در اختیار دارد و به

وسیله حکومت، قوانین و نظامات ویژه‌ای را که با منافع اقتصادی و اجتماعی این طبقه هماهنگی دارد، به اجرا می‌گذارد. طبیعی است وجود چنین قوانین نمی‌تواند با منافع عامه مردم و یا دیگر طبقات اجتماعی همساز باشد و این ناسازگاری موجب طغیان محرومان و بدبینی به نظام‌های حکومت و اجتماعی می‌شود.

حکومت‌ها برای اجرای قوانین ناچار به خشونت می‌گیرند و مجازات‌ها و تنبیهات شدید را درباره عصیان‌کنندگان وضع نموده که خود عامل تشدیدکننده روح بدبینی و برانگیختن واکنش منفی در محرومان می‌گردد. در این رابطه جالب است که حکومت‌ها به جای آن‌که انحراف افراد را در ارتباط با اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی بحران‌ها، رشد جمعیت، شخصیت منحرفان و اساساً انگیزه‌هایی که آنان را به ارتکاب جرم واداشته مورد مطالعه قرار دهند، نقش انحراف را به صورت مجرد و به خودی خود مطالعه می‌نمایند.

به طور کلی، فساد سیاسی ارتش، فشارهای اداری، بوروکراسی، تورم اداری، هرج و مرج در سیستم اجرایی کشور، عدم تأمین در برابر قوانین و یک طرفه بودن آن، عدم تساوی در برابر قوانین حکومت در شئون زندگی اعضای جامعه، افراد را به جان می‌آورد و به انحراف می‌کشاند.



عوامل سیاسی انحراف (جنگ)

جنگ اگر به خاطر خدا نباشد، خواه داخلی یا خارجی، یکی از عوامل خانمان‌سوز است که در گسیختن رشته نظم و آرامش اجتماعی، سست کردن ارزش‌ها و معیارهای سنتی و اخلاقی و مقررات اجتماعی تأثیر مهمی دارد. اگر در معیارهای اخلاقی و اجتماعی رعایت حقوق دیگران توصیفه می‌شود، جنگ گسیختن آن را می‌آموزد.

پیرون (Pieron) معتقد است که رفتار آدمی را باید معلول روابط آن‌ها با محیط مادی و اجتماعی بدانیم که در آن مؤثرند و این رفتار را در آن‌ها به وجود می‌آورند. از این رو، طبیعت آدمی ممکن نیست مستقل از ساختمان واقعی میدان اجتماعی موجود باشد. گوناگونی فرهنگ‌ها، معیارها و ارزش‌ها به تفاوت‌های محیط مادی و عوامل اقتصادی و تماس یا اقوام دیگر پیش‌آمدها بستگی دارد.

اطلاعات و ملاک‌ها و نتایج مطالعات به ما نشان می‌دهد که میزان عامل اجتماعی در ایجاد بزهکاری نه تنها کم نیست بلکه بیش از حد قابل تصور است. فرد مستهلک در جامعه است، شناسایی وی موکول به شناسایی جامعه است، در این میان کودکان و نوجوانان بیش از سالخوردگان تحت تأثیر عوامل اجتماعی، خانوادگی، محیط طبیعی گروه جوانان و غیره قرار می‌گیرند.

نگرشی زیستی - اجتماعی

طرفداران این نظریه به تلفیقی بین وراثت و صفات اکتسابی یا اجتماعی قائل بوده و معتقدند که هر یک از مشخصات و ویژگی‌هایی که در انسان وجود دارد، بر اثر نیروی محیط و توارث به وجود می‌آیند. این دو عامل باید با هم باشند و یکی بدون دیگری نمی‌تواند فعال باشد، به عبارت دیگر، هر ژن به مقتضای محیطی که دارد رشد می‌کند. بنتام انگیزه‌های بزه را در اطفال و نوجوانان به درونی و بیرونی تقسیم می‌کند. انگیزه‌های درونی را شامل وراثت، جنسی و نژاد و انگیزه‌های بیرونی را شامل عوامل جغرافیایی، اقتصادی، خانوادگی، جنگ‌ها و آثار ناشی از آن‌ها می‌داند. به طور کلی، امکانات علمی اثری هرگز بدون وسایلی که آن‌ها را پرورش می‌دهد و به تکامل می‌رساند، جنبه علمی به خود نمی‌گیرند و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. شاختر (Shakhter) وراثت و محیط را عامل سازنده فرد ذکر می‌کند. عبارات صفات، طرز تفکر و رفتارها را معلول قضایا و برخوردهای زندگانی یعنی محیط اجتماعی ما می‌داند.

عوامل اقتصادی انحراف (فقر)

فقر یکی از عوامل اساسی انواع انحرافات از جمله دزدی و انحراف جنسی در مردم، به‌ویژه اطفال و نوجوانان

است. فقر بی‌گمان به وجود آورنده سختی‌ها، ناملاطی است که اگر نتوان در قبال آن مبارزه کرد، خواه ناخواه انسان را به زانو درمی‌آورد. بیماری، کمبود مواد غذایی، بی‌سوادی، عقب‌ماندگی، عدم بهداشت کافی، دعوا و خونریزی جملگی ناشی از فقر می‌باشد. تا زمانی که احتیاج به غذا و سایر احتیاجات اولیه برای همه طبقات به طرز منطقی فراهم نشده باشد، رفتار شخص طبعاً تحت تسلط آن‌ها خواهد بود و برای فراهم کردن آن‌ها به آسانی تن به هر نوع بزهکاری یا انحراف می‌دهند، دکتر استاس چر می‌نویسد «فقر و تنگدستی واقعی همانند سایر حوادث و شرایط زندگی می‌تواند در کودکان اثرات منفی به جا گذارد و آنان را به ستیزه‌جویی و انتقام و دشمنی نسبت به جامعه بکشاند.»

بسه عقیده دولارد، (Doulard) و دوب (Doob) و همکارانشان شیوع فراوان جنایت در میان گروه‌های فقیرتر و افزایش آن‌ها در ادوار سختی و تنگدستی باید واکنشی در برابر ناکامی دشمن از فقر دانست که بدون شک به ستیزه‌جویی منجر می‌شود که اعمال جنایی یکی از انواع ستیزه‌جویی است.

سرسقت، قسمت اعظم جرایم اطفال را تشکیل می‌دهد که بر اثر فقر عمومی است. در سال ۱۹۵۷ در کشور سوئد بالغ بر ۳۲۹۰۳ فقره سرقت اطفال و در فرانسه از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۹ دزدی اطفال ده برابر افزایش داشته است. در پیوند برخی از انواع کج‌روی‌ها با وضع اقتصادی مانند روسپی‌گری، گدایی، بعضی از دزدی‌ها، بیماری‌های روانی و الکلیسم، تردید نیست، بررسی‌های متعدد گواه آن است. مثلاً در ایتالیا خانواده‌های فقیر ۶۰٪ جمعیت را تشکیل می‌دهد ولی جرایم مربوط به آن‌ها ۸۵ تا ۹۰ درصد کل جرایم بوده است. مطالعاتی که در سال‌های بعد از جنگ در مورد افزایش یا تقلیل بزهکاری در فنلاند به عمل آمده، نشان می‌دهد از سال ۱۸۲۵ تا ۱۸۴۸ تعداد بزهکاران رقم ۶۵۰۰ نفر تقریباً به ۴۰۰۰ نفر تقلیل پیدا کرده است. سلین پس از بررسی جنگ‌های جهانی اول و دوم نشان داده است که عامل اغتشاش اجتماعی اثر مهمی در ایجاد بزهکاری دارد. جنگ موجب سست شدن بنیاد خانواده، درهم ریختن معتقدات اخلاقی، مذهبی و بدبینی به مقررات اجتماعی می‌شود و احساس ناامنی ایجاد نموده و افراد را به انحراف از مقررات اجتماعی می‌کشاند. طبق بررسی‌هایی که به عمل آمده مجرمین صغیر در فرانسه در سال ۱۹۳۸ فقط ۱۲۰۰۰ نفر بوده در حالی که در سال ۱۹۴۵ به ۳۸۰۰۰ نفر بالغ شده است.

عوامل تربیتی

خانواده یکی از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی و مهد

پرورش مراحل اولیه رشد کودک است. خانواده واحدی است زیستی، چون بهترین مکان طبیعی برای پیدایش و رشد طفل است و واحدی است تمدنی، چون افراد را از جنس‌های مختلف و سنین گوناگون به هم مربوط می‌کند. به عنوان واحد تمدنی واسطه‌ای است که سنت‌های قدیمی را با ارزش‌های جدید اجتماعی پیوند می‌دهد. خانواده در عین حال که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است، مبنا و پایه هر اجتماع بزرگ است. محیطی است که کودک در آن‌جا چشم به دنیا گشوده، در آن‌جا رشد خود را آغاز کرده است، شخصیت وی در آن‌جا پی‌ریزی می‌شود، لذا پایه سعادت شقاوت او در آن‌جا نهاده شده است. بنابراین، هر نوع اختلالی که در خانواده پدید آید، به طور مستقیم در روحیه اطفال اثر مخرب باقی می‌گذارد و موجبات انحراف او را از قوانین و مقررات مطلوب جامعه فراهم می‌آورد. عواملی که در خانواده موجب اختلال در رشد سالم و بهنجار طفل می‌باشد به شرح زیر است:

کمبود عاطفی

خانواده نخستین محیط زندگی فرد است و در حقیقت، در حکم نمونه وضع اجتماعی وسیع‌تر آینده اوست. اطفالی که از نظر محبت و مواظبت و عطف مادری دچار کمبود یا محرومیت بوده‌اند، به دشواری‌های روانی دچار می‌شوند. به طوری که در میان اعضای خانواده مجرمین در مقایسه با خانواده گروه غیربزهکاری شرایط عاطفی غیرسالم، یعنی تنش‌های خانوادگی به مراتب بیش‌تر بوده است. این نقش‌ها بیش‌تر به صورت خصومت، نفرت، آزدگی، خرده‌گیری، پرخاشگری و نابه‌سامانی‌های روانی ظاهر می‌شود.

تبعیض

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که تبعیض در خانواده و توجه بیش‌تر والدین به بعضی از فرزندان و توجه کم‌تر نسبت به بعضی دیگر، سبب ایجاد عقده حقارت و احساس نفرت و بدبینی در طفل می‌شود. و به قول ویتربیچ گروبرگ ولف هم‌چشمی و رقابت موجود در خانواده تأثیر زیادی در روحیه کودکان باقی می‌گذارد و سبب می‌شود که کودک خود را با برادران و خواهران خود مقایسه کند و بر اثر محبت بیش‌تر والدین در حق آنان احساس حقارت نماید.

خشونت

رفتار خشونت‌آمیز خانواده عواقب نامانسی در تربیت اطفال برجای خواهد گذاشت. رالف - هاومجان علل انحراف و ناسازگاری‌های اطفال را با اجتماع، محیط

خانواده‌ای می‌داند که در آن‌جا پرخاشگری راه حل پذیرفته شده است. به عقیده پاره‌ای از روان‌شناسان و کارشناسان آمریکایی، ریشه اصلی جنایات و خشونت‌ها در جامعه، اعمال خشونت و تشبیهات بدنی است که والدین در مورد فرزندان اعمال داشته که باعث عقده‌های روانی می‌گردد.

نتری و لوسی

لوس بارآوردن طفل مخصوصاً وقتی طفل منحصر به فرد باشد، باعث بدبختی او خواهد شد. دکتر استاس چر به این نتیجه می‌رسد که محبت بیش از اندازه همان اثر و نتیجه بد را دارد که بی‌مهری و بی‌توجهی.

خانواده واحدی است زیستی، چون بهترین مکان طبیعی برای پیدایش و رشد طفل است و واحدی است تمدنی، چون افراد را از جنس‌های مختلف و سنین گوناگون به هم مربوط می‌کند

پدر و مادر خیلی مسن

پدر و مادر خیلی مسن فاقد واکنش‌ها و اعمال انعکاسی ضروری هستند، نمی‌توانند وظایفی را که از نظر تربیت فرزند به‌عهده دارند به خوبی اجرا نمایند و او را برای یک زندگی سالم و پایبند به مقررات و ارزش‌های اجتماعی بارآورند.

عقب‌ماندگی خانواده

خانواده‌های متوقف و یا خانواده‌هایی که سیر قهقرایی طی می‌کنند، فرزندان خود را بدبین، غیراجتماعی و بالاخره عصیانگر بار می‌آورند. خانواده‌هایی که با زمان پیش نمی‌روند و انتظار دارند فرزند آنان نیز با راه و رسم قدیمی و کهنه زندگی را ادامه دهند، سبب ناسازگاری روانی فرزندان خود با جامعه می‌شوند. به قول هابس (Hobbes) بسیاری از کودکان پریشان حال و آشفته به خانواده‌هایی تعلق دارند که از زندگی اجتماعی مجزا و بیگانه‌اند. به نظر وی کودک و خانواده وی باید فعالانه در امور اجتماعی سهم باشند.

یتیمی

یتیمی اعم از مرگ پدر یا مادر، یکی از مهم‌ترین علل دربره‌ری، ناکامی، ولگردی، عقب‌افتادگی در مدرسه، اجتماع و ارتکاب بزه و تبهکاری و دیگر بیماری‌های روانی است. یتیمی مسائل تازه‌ای را در نتیجه تغییر مسکن، زناشویی دوباره پدر یا مادر و نیز ناپدری و نامادری به وجود می‌آورد. رفتار نامساعد ناپدری یا نامادری نسبت به اطفال خردسال موجب ناکامی عاطفی، سرگردانی و غیره می‌شود و اغلب موجب ستیزه‌جویی می‌گردد و کودک در چنین شرایط نامساعدی نمی‌تواند به تثبیت‌های انفعالی پایدار و پردوام بر اساس الگوهایی که در محیط او وجود دارند ناقل آید.

طلاق و کشمکش خانواده

خانواده‌های گسسته در رفتار ضداجتماعی اطفال نقش مسلم و قطعی دارند. بولی (Bowlby) عقیده دارد که جدایی طفل از والدین مخصوصاً مادر باعث می‌شود که در دوران بلوغ نتواند رابطه عاطفی سالم و صحیحی با دیگران داشته باشد. دکتر هویر (Heuyer) روان‌شناس اجتماعی معاصر و پزشک بیماری‌های روانی، پس از بررسی آماری ده کشور اروپایی مدعی شده است که ۸۸٪ اطفالی که مرتکب گناه می‌شوند، منسوب به خانواده‌های از هم پاشیده می‌باشند. این دانشمند با تحقیقات خود نشان می‌دهد که قریب ۸۰-۹۰ درصد کودکان منحرف یا مجرم متعلق به خانواده‌هایی است که وضع مغشوش، نابه‌سامان داشته و شیرازه آن‌ها از هم گسیخته شده است. طلاق و درهم پاشیدگی خانواده حتی بیش از نزاع موقتی میان زن و شوهر موجب ناراحتی اطفال و بزهکاری آنان می‌شود و از علل استثنایی ارتکاب شمرده می‌شود. در کشور ما طبق آماری که قبل از ۱۳۵۳ تهیه شده، بیش از ۶۵٪ کودکان کانون اصلاح و تربیت اطفالی بودند که با پدر و مادر خود اختلاف نظرها و تضادهای فکری و ذهنی داشته و این اختلاف‌ها انگیزه عصبان آن‌ها بوده است.

طبق آمار در سال ۱۳۴۷ تعداد طلاق در ایران به ۱۶۰۷۴ فقره رسیده است و ایران چهارمین کشور پرطلاق جهان، یعنی بعد از آمریکا و مصر و دانمارک قرار دارد. آدلر معتقد است که نقص بدنی، نازپروردگی کودکان، کودکان به خود رها شده، یعنی کودکانی که بر اثر جدایی پدر و مادر از یک‌دیگر یا بر اثر غفلت و بی‌اعتنایی نسبت به تربیت آن‌ها از راهنمایی و تشویق محروم بوده‌اند، مفاهیم نادرست از جهان می‌یابند و در بزرگسالی دشمن اجتماع می‌شوند، شیوه زندگی آن‌ها زیر سلطه نیاز به انتقام‌جویی است.



غیبت والدین از خانه

وجود والدین در منزل به‌خصوص مادر، نقش مؤثری در تربیت عاطفی و روانی اطفال به عهده دارد. به طوری که غیبت هر یک از والدین از محیط خانه باعث ایجاد مشکلاتی در تربیت کودک و ایجاد اختلالات عاطفی کودک خواهد شد که به نوبه خود می‌تواند به‌عنوان یکی از علل مهم ارتکاب جرم کودکان و نوجوان باشد.

انحراف والدین

انحراف والدین یا یکی از اعضای خانواده و زوال اخلاقی آنان ارتباط مستقیمی با انحراف اطفال و نوجوانان دارد. خانواده‌ای که با اعتیاد به الکل یا مواد مخدر به فساد کشانیده شده، نه تنها نمی‌تواند اطفال سالمی پرورش دهد بلکه رفتار و ویژگی‌های آنان سرمشق فرزندان می‌گردد و آنان را به سوی ناسازگاری‌ها و انحرافات گوناگون سوق می‌دهد.

بی‌سوادی

اگر خانواده نسبت به چگونگی نیازمندی‌ها و استعداد و

عواطف فرزند خود جاهل باشد، لطمه بزرگ و خسارت جبران‌ناپذیری متوجه شخصیت و سلامت روان فرزند خود می‌نمایند. مقصود از تحصیل و باسواد بودن والدین، تنها خواندن و نوشتن زبان مادری نیست بلکه پایین بودن سطح فرهنگ و عدم آگاهی به مسائل علمی پرورشی است که می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرم و انحراف به‌شمار رود.

بازداشتگاه

نگه‌داری اطفال و نوجوانانی که برای اولین بار دچار انحراف از مقررات اجتماعی می‌شوند، در میان مجرمان و سارقان با سابقه زندان و دارالتأدیب‌ها نه تنها کمکی به آنان نمی‌نماید بلکه باعث آگاهی بیشتر اطفال به رفتار خلاف مقررات اجتماعی می‌شود که منجر به بدآموزی‌ها و تشویق و تعلیم بیشتر آن‌ها به سرپیچی از مقررات اجتماعی می‌شود. از این رو، ضرورت سلامت جامعه و پرورش و اصلاح این اطفال ایجاب می‌کند که این گونه اطفال در زندان تحت مراقبت شدید متخصصان قرار گیرند و گرفتار بدآموزی‌های بیش‌تری که مجرمان با سابقه دچار آن هستند، نگردند تا به تدریج این بدآموزی‌ها از نهاد آنان رخت برینند و مجدداً امکان یابند تا با کمک‌های مؤثر اصلاحات مورد نیاز به فردی موثرتر و شایسته در جامعه تبدیل گردند.

انحراف جنسی

عدم آشنایی خانواده‌ها به نیازهای مادی و معنوی و تربیت صحیح فرزندان و کمبودهای عاطفی و علل اجتماعی دیگر انگیزه و محرک اطفال و نوجوان به انحراف جنسی است. از جمله علل انحراف جنسی نوجوانان عبارتند از:

خانواده: خانواده‌هایی که جاهل، متعصب یا فاقد معلومات کافی برای آموزش فرزندان خود هستند و به لزوم تحلیل مسائل جنسی برای اطفال خود ناآگاهند، راه را برای انحراف جنسی هموار می‌کنند.
ضعف بنیه مالی.

عوامل فرهنگی و تربیتی: هر چند انگیزه جنسی و زیرسازهای فیزیولوژیک در عمل جنسی نقش اساسی دارند ولی عوامل مؤثر اجتماعی و فرهنگی نیز در این زمینه تأثیر مهمی دارند. پایین بودن سطح تربیت و ضعف فرهنگ از عوامل مؤثر در انحراف هستند. به طوری که هانری جرج چارلز، ویلیام ماکز فساد اخلاق و زیربنای اخلاقی نادرست را یکی از عوامل انحراف جنسی می‌دانند.

سوءاستفاده از جاذبه جنسی: یکی از مسائل رایج که

عامل مهمی در اشاعه انحراف جنسی است، سوءاستفاده از جاذبه جنسی برای جلب نظر مصرف‌کننده و تأمین منافع هرچه بیش‌تر اقتصادی و تجارت است که با این روش نیازهای جنسی را تحریک می‌کنند و عدم ارضای آن به انحرافات اخلاقی و جنسی منجر می‌شود. تبلیغات، تقلید، داستان‌های غیراخلاقی، فیلم‌های محرک، ذهن اطفال و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجبات انحراف را فراهم می‌آورد.

کمبودهای عاطفی: کمبودهای عاطفی فرد را به دنبال عامل تسکین‌دهنده‌ای می‌کشاند. روابط آشفته خانواده و طرد از خانواده زمینه مناسبی برای احساس تنهایی و

عقل را یکی از عوامل

انحراف طفل و دوری از مقررات

پسندیده اجتماعی دانسته‌اند

بی‌پناهی و تسلیم به گرسنگان شهوت را فراهم می‌آورد.
جنگ: جنگ اگر به خاطر خدا نباشد، از عوامل مهم سست شدن بنیاد خانواده، درهم ریختن معتقدات و بدبینی به مقررات اجتماعی است که زمینه را برای گرایش دختران، پسران و انحرافات جنسی فراهم می‌سازد.

نقص عقل: عقل را یکی از عوامل انحراف طفل و دوری از مقررات پسندیده اجتماعی دانسته‌اند. اسوالد شتوارتز معتقد است که نقص عقل مانع از آن است که شخص به ارزش‌های انسانی خود واقف شوند و در نتیجه، فاقد شعور و درک سایر ارزش‌هایی است که از آن ناشی می‌شود. فردی که فاقد درک کافی معیارها و ارزش‌های انسانی است نمی‌تواند طریق مطلوب و پسندیده را که مقبول جامعه است، اتخاذ کند و تحت تأثیر عوامل نامساعد محیط قرار می‌گیرد که او را به انحراف می‌کشاند. به علت مخرومیت‌های جنسی و اجتماعی، اعمال منافی عفت ارتکابی نوجوانان یک قسمت مهم و قابل توجه از بزهکاری‌های این گروه را تشکیل می‌دهد. طبق آمار مربوط به متهمان نوجوان در مورد عمل منافی عفت در سال ۱۳۴۵ در کشور ما از تعداد ۲۶۶ فقره که

از قبیل رادیو، تلویزیون، سینما می‌تواند در جهت بهبود اخلاق اجتماعی و راهنمایی اطفال و نوجوانان و یا در جهت انحراف آنان مورد استفاده قرار گیرد. روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌هایی که بدون توجه به تلقین‌پذیری کودکان و نوجوانان مطالب خود را تنظیم می‌کنند و داستان‌های پلیسی که ذهن خالی کودک را اشغال می‌نمایند، می‌توانند از عوامل انحراف به‌شمار آیند.

یک نمونه

پس از وقوع انقلاب در کشور ما، بر اثر آشفتگی‌های طبیعی ناشی از سیر و جهش و حرکت انقلاب نشانه‌هایی از روند رو به تزاید جرایم اجتماعی مشهود است. بدیهی است بزهکاری اجتماعی ابتدا دامن‌گیر گروه‌های سنی نوجوانان و جوانان می‌شود. گروه‌های سنی مذکور به موجب آمار منتشر شده از سوی مقامات ذی‌صلاح بیش‌ترین مرتکبین بزه‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. بنا به یکی از آمارهای انتشار یافته از سوی شهرداری جمهوری اسلامی تنها در سال ۱۳۶۲ جمعاً ۵۱۳۲۲ نفر در سطح کشور در گروه سنی ۱۶ تا ۳۰ سال در رابطه با جرایم گوناگون از قبیل دادر کردن اماکن فساد، وادار کردن اشخاص به فحشا، ربودن اشخاص از جمله بانوان و اطفال، کلاهبرداری، هتک حرمت در منازل و محل کار، خرید و فروش اموال مسروقه و اختفای آن، سرقت مسلحانه، شهادت کذب، افشای سیر، قسم دروغ، فرار مجرمان و جرایم جنسی، بازداشت و دستگیر شده‌اند. مواد مخدر نیز رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. به موجب یک آمار غیررسمی اکنون حدود ۵۰۰۰۰ نفر از معتادان در گروه‌های سنی نوجوانان و جوانان هستند و نیاز به نگرانی در پناهگاه‌ها و اندرگاه‌ها دارند. در سال ۱۳۶۲ در سطوح کشور بالغ بر ۷۷۱۵ نفر در گروه سنی ۱۶ تا ۳۰ سال به جرم دزدی توقیف شده‌اند. این رقم در قیاس با میزان سال‌های گذشته، افزایش نشان می‌دهد. بنا به آمار منتشر شده از سوی شهرداری موارد اختلاف خانوادگی، متارکه زوجین نیز که خود می‌تواند نقش عمده‌ای در تزاید انحراف فوق داشته باشد، در قیاس با سال‌های پیش از انقلاب از رشد قابل توجهی برخوردار می‌باشد.

مجموع داده‌های مزبور ما را به سوی این واقعیت رهنمون می‌سازد که بزهکاری اجتماعی روانی روند صعودی داشته است. این مشکل نه تنها کانون خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد، فرزندان چنین خانواده‌هایی، بی‌شک، از سلامت عاطفی بر سلامت عمومی جامعه تأثیر می‌گذارد، بلکه بازتاب‌های قضایی اجتماعی و آموزشی بسیاری از این مشکلات عاطفی و روانی

مجلات و کتاب‌هایی که بدون توجه به تلقین‌پذیری کودکان و نوجوانان مطالب خود را تنظیم می‌کنند و داستان‌های پلیسی که ذهن خالی کودک را اشغال می‌نمایند، می‌توانند از عوامل انحراف به‌شمار آیند

شامل لواط، هتک ناموس به عفت، ربودن دختران و رابطه نامشروع بوده است، تنها ۶۶ مورد مربوط به لواط که ۴۲/۵٪ از جرایم فوق‌الذکر را تشکیل می‌دهد.

عوامل تربیتی مدرسه: بعد از خانواده، مدرسه از عوامل مهم تربیتی و سازندگی معیارها و ارزش‌های ذهنی، تفکر و راه و روش اطفال در جامعه محسوب می‌شود.

مدرسه اگر نتواند به وظایف تربیتی و پرورشی خود عمل کند، می‌تواند به عنوان یکی از عوامل کج‌روی اطفال و نوجوانان شود. کاردینر (Kardiner) و لین‌تون (Linton) افراد را به سنخ سازگار و ناسازگار با زندگی اجتماعی تقسیم می‌کنند و مبنای آن را ابتدا در تربیت خانوادگی و سپس مدرسه جست‌وجو می‌کنند. چه بسا خانواده‌هایی که در منزل در تربیت فرزندان خود کوشا بوده‌اند، محیط نامناسب مدرسه سبب از بین رفتن زحمات آنان شده است. از جمله عواملی که می‌تواند در مدرسه باعث انحراف و یا سلامت طفل گردد عبارتند از: ۱. نقش معلم، ۲. عدم هماهنگی انطباق برنامه‌های آموزشی و پرورشی با نیازهای جوانان و ارزش‌های بیرون از آموزشگاه، ۳. عدم راهنمایی صحیح اطفال و نوجوانان، ۴. فقدان کلینیک‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۵. عدم تماس دائم بین مربیان با خانواده‌ها، ۶. عدم طبقه‌بندی دانش‌آموزان بر پایه‌ها و ملاک‌های علمی و داشتن امکانات کافی.

عوامل تربیتی گروه همسالان: گروه همسالان و هم‌کلاسان از عوامل مؤثر در یادگیری و تلفیق اطفال و نوجوانان است. در این رابطه زودباوری و ناآگاهی اطفال و نوجوانان موجبات انحراف آن‌ها را فراهم می‌آورد. کلود دو پاکیه بر آن است که فرم اجتماعی بنا کلیه قواعد و اصول متداول در جامعه از هر درجه و مرتبه‌ای که باشد، از طریق خانواده که نخستین محیط نشو و نماي طفل است و سپس همسالان، دوستان مدرسه و هم‌بازی‌ها به طفل تحمیل می‌شود.

عوامل تربیتی، رسانه‌های گروهی: رسانه‌های گروهی

برخوردار نخواهند بود و این برخورد بر مشکلات آموزشی و تربیتی نیروی انسانی آزموده کشور می‌افزاید.

طلاق

مادرا! مرو

برای خدا پیش ما بمان

اشک نیاز را بر رخ زرد ما ببین

از ما جدا مشو

بر قطره‌های تلخ سرشکم نگاه کن

ما جوجه‌های تازه‌رس بی‌ترانه‌ایم

بر جوجه‌های غمزده سنگ ستم مزین

بنگر به دست کوچک و لرزان طفل خویش

ما را به زیر بال نوازش عزیزدار

از قصه طلاق و جدایی سخن مگو

سامان آشیانه ما را به هم مزین

مادر هراس در دل ما موج می‌زند

دستم به دامنت از قصه طلاق در این خانه دم مزین

از پیش ما مرو! لختی درنگ کن

بابا فدای تو! لختی درنگ کن

بی‌مادری بلاست!

ما را اسیر فتنه بی‌مادری مکن!

مادر اگر رود شب ما بی‌ستاره است

در آشیانه‌ای که به هم انس بسته‌ایم

ویرانگری مکن!

مادرا! اگر ز کلبه ما، پا برون نهی

فردا چه می‌شود

ماییم و موج دردا ماییم روی زرد!

ماییم و داستان غم‌انگیز بی‌کسی!

ما دست التماس به سویت گشاده‌ایم

شاید ز راه مهر، بر فریادمان رسی

بابا! فدای تو لختی درنگ کن!

ما را به چنگ موج حوادث رها مکن

اندیشه کن پدر!

ما را ببین چگونه به پایت فتاده‌ایم!

از خشم درگذرا بی‌مادری بلاست

ای نازنین پدر!

ای مادری که شمع دل‌افروز خانه‌ای

ای جان ما فدای شما آشتی کنید!

جغد طلاق بر سر ما ضجه می‌زند!

از بهر ما نه بهر خدا آشتی کنید!

لعنت بر این طلاق!

منابع و مأخذ فارسی

۱. آسیب‌شناسی اجتماعی، تألیف دکتر محمدحسن فرجاد،

انتشارات بدر.

۲. مجرم کیست (اطفال و جوانان بزهکار)، تألیف دکتر تاج

زمان دانش، انتشارات کیهان، محیط متشنج خانوادگی.

۳. تحقیق و پژوهش، بزهکاری جوانان، دکتر فاطمه مجدفر.

۴. اثرات بی‌پدري بر روی فرزندان، دکتر فاطمه مجدفر.

۵. طلاق، دکتر فاطمه مجدفر.

۶. روش‌های تبلیغی مناسب جهت تقویت ایمان اسلامی

جوانان، تهیه‌کننده صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران،

مرکز تحقیقات.

۷. مقیاس سنجش حقیقت ایمان در جوانان، دانشگاه امام

صادق (ع)، تهیه‌کننده، گلزاری، محمود.

۸. اصول تربیت دینی از دیدگاه جامعه‌شناسی، سیروس

فخرایی.

تحقیق میدانی

۱. زمینه انحراف و بزهکاری اطفال، جامعه آماری، کانون

اصلاح و تربیت.

۲. بررسی مشکلات ناشی از زندگی خانوادگی و اجتماعی. به

همت آقایان دکتر علی شریعتی، دکتر محمد یاریگر روش

(رئیس سابق سازمان بهزیستی)، دکتر محمد شرفی.

منابع و مأخذ خارجی (به زبان فرانسه)

۱. کتاب خشونت‌های مدرسه‌ای تألیف ژان لویی لورن

Les Violences - Seolair

Jean- Louis - Lorrain. Que Sais- JE

Que Sais- JE

۲. کتاب جیبی

3. LA CIOLENCE - URBAIN CHALES- ROBERT

SZIK MANN REPOSE - IAFFONT

۴. بازدید و مشاهده اداره مفاسد اجتماعی با چند تن از

دختران فراری و بزهکار.

